



## داستان نوجوانی مادر بزرگها در سریال «گذر از رنجها»

این شبها سریالی از شبکه یک به نام «گذر از رنجها» پخش می‌شود. این سریال را فریدون حسن‌پور نوشته و کارگردانی کرده است. سریال از سال‌های ابتدایی دهه 30 در ایران آغاز می‌شود و قرار است زندگی زنی به نام دنیا را از کودکی تا اواخر دهه 60 هجری شمسی، یعنی پیری و مرگ روایت کند.

این شبها سریالی از شبکه یک به نام «گذر از رنجها» پخش می‌شود. این سریال را فریدون حسن‌پور نوشته و کارگردانی کرده است. سریال از سال‌های ابتدایی دهه 30 در ایران آغاز می‌شود و قرار است زندگی زنی به نام دنیا را از کودکی تا اواخر دهه 60 هجری شمسی، یعنی پیری و مرگ روایت کند.

گذر از رنجها سریالی است که در بستر تاریخ معاصر شکل گرفته و به سمت زمان حال حرکت می‌کند. نکته‌ای که از همان اولین قسمت‌های این سریال به چشم می‌آید و تا الان که هنوز فصل ابتدایی آن به نمایش درآمده نیز قابل درک است، این است که سریال در کنار خط اصلی قصه که داستان دختری رعیت‌زاده و مستعد را روایت می‌کند سعی دارد تحولات ایران در 30 سال از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی را نیز به تصویر بکشد. از این نظر سریال «گذر از رنجها» را می‌توان مهم‌ترین سریال این شب‌های تلویزیون دانست.

### چشمک زدن در تاریکی

یک ضرب‌المثل جالب درباره تجارت موفق وجود دارد که می‌گوید: «تجارت بدون تبلیغات مثل این است که برای تفهیم موضوعی مهم به دوستان با چشمک علامت بدهید اما این کار را در تاریکی انجام دهید.» این ضرب‌المثل سعی دارد اهمیت تبلیغات درست در تجارت را بیان کند اما به طور شگفت‌انگیزی درباره سریال گذر از رنجها صدق می‌کند.

گذر از رنجها با دلایلی که گفته خواهد شد، می‌تواند بهترین سریال در حال پخش تلویزیون باشد و با رقبای سرسخت! هم رقابت کند اما نمی‌تواند. مهم‌ترین دلیلش نبود تبلیغات درست و معرفی این سریال به مخاطبان است. متأسفانه این ایراد به شبکه کاملاً وارد است که نسبت به سریال‌ها و آثار نمایشی چندان تمایل و رغبتی نشان نمی‌دهد. همین باعث شده که سریال گذر از رنجها با کمترین میزان تبلیغات روی آنتن برود آن هم در روزگاری که دیگر شبکه‌های رسانه ملی خودمان با کمی تلاش بیشتر می‌توانند گوی رقابت را به دلیل استفاده از ابزار مهمی به نام تبلیغات از شبکه یک برابند.

اما این همه، مشکل گذر از رنجها در جذب مخاطب نیست زیرا به نظر می‌رسد فریدون حسن‌پور به عنوان نویسنده و کارگردان و علی‌الدینی، تهیه‌کننده نیز درصدد گسترش دامنه مخاطبان نبوده و نیستند. باوجود آن‌که سریال داستانی جذاب و بازیگران سرشناس و لوکیشن‌های زیبا و دلنوازی دارد و چند برهه تاریخی مهم ایران را دربر می‌گیرد اما ساختار روایی سریال به گونه‌ای است که ناخودآگاه خودش را به ورطه‌ای می‌کشانند که فقط برای مخاطب خاص جذاب به نظر برسد. آنهایی که اطلاعات کافی نسبت به اتفاقات سیاسی و اجتماعی سال‌های میانی دهه 30 دارند، می‌توانند با سریال ارتباط برقرار کنند اما این سریال بخش اعظمی از جمعیت اغلب جوان و نوجوان را که هر روز با انبوهی از درام‌های ساده فهم و آماده سروکار دارند از دست می‌دهد.

به نظر می‌رسد تولیدکنندگان نیز به دلیل این‌که بیشتر تمرکزشان بر سیر تحول اجتماعی و سیاسی بوده علاقه‌مندند مخاطبان خاصی را که اطلاعات کافی راجع به مقاطع زمانی خاص دارند جذب کنند. این ریسک با توجه به تبلیغات اندک و نمایش بی‌سرو صدا می‌تواند به این منجر شود که این سریال با وجود داشتن ظرفیت مناسب برای تبدیل شدن به سریالی پرمخاطب، با کمترین میزان تماشای مواجه شود.

### سریالی برای دیده شدن

گذر از رنجها برخلاف آنچه گفته شد، می‌تواند سریالی برای دیده شدن باشد. داستان دنیا، دختر مستعد رعیت‌زاده‌ای که با هوش و ذکاوت و روح پاکش، ناخودآگاه خودش را در دنیای بزرگ‌ترهایی می‌بیند که روابط، افکار و نیازهای پیچیده و گاهی خطرناک دارند. دنیا داستان آشنایی برای آنهایی است که مادر بزرگ‌هایشان در همان دوران دهه سی زندگی می‌کرده‌اند. دختران مستعدی که در اوج دشواری‌های زندگی و با تحمل تمام دشواری‌ها، عاشقانه دلشان می‌خواهد دانش و سواد بیاموزند و تبدیل به انسان مفیدی برای خانواده‌شان شوند.

نسل میانی جامعه امروز داستان‌های واقعی زیادی از زبان مادر بزرگ‌هایشان شنیده‌اند که بسیار شبیه داستان دنیا است. دخترانی که هوش و ذکاوتشان مانند شاخ‌های زیبایی گوزن به جای نجات، او را به دام می‌افکند. اما این داستان جذاب در کنار اتفاقات مهم سیاسی و اجتماعی و تغییر و تحولاتی که جامعه ایران بعد از کودتای 28 مرداد و دنیا روی خاکسترهای جنگ جهانی نیز بمراتب جذاب‌تر هم می‌شود اگر...

اگر محدودیت‌های تولید از جمله داشتن دکورها و تجهیزات لازم برای نمایش مکانی و فضایی آن دوران وجود نداشت شاید «گذر از رنجها» به جای استفاده مکرر از لوکیشن‌های محدودی که بیانگر زمان و دوره خاصی هم نیست می‌توانست در مکان‌های متفاوت اتفاقات متفاوت‌تری را به نمایش بگذارد. مثل «هزارستان» مرحوم حانمی که در هر کوچه و خانه و دکان شهرک سینمایی می‌شد یک داستان کامل را ساخت.

### ترکیب موفقی از بازیگران

گذر از رنج‌ها داستان جذابی دارد و احتمالا به همین دلیل است که مجموعه‌ای از خوب‌های بازیگری در آن حضور دارند. بابک حمیدیان یکی از بهترین بازی‌هایش را در این سریال انجام داده زیرا نحوه و سبک بازی‌اش عاری از اکت‌ها و تکنیک‌های همیشگی او است. حتی صدای همیشگی حمیدیان نیز زیر لهجه لطیف شمالی و بازی کنترل شده‌اش تبدیل به نقطه قوتی برایش شده است. مقایسه بازی او در گذر از رنج‌ها و سریال «پرده‌نشین» می‌تواند ارزش‌های کار او در این سریال را بیشتر به نمایش بگذارد.

در کنار حمیدیان که یکی از آماده‌ترین بازیگران این روزهای سینما است، پژمان بازغی با حضور در این سریال و بازی در نقش تیرداد اتفاق تازه‌ای را در کارنامه بازیگری خودش رقم زد. یادمان نرود که چندی قبل سریالی به نام «دولت مخفی» با بازی او در نقش یک جوان جنوبی پخش شد. او حالا در نقش یک مهندس شمالی دهه 30 نمایشی فوق‌العاده دارد. پیام دهکردی نیز مثلث بازی‌های خوب این سریال را با ایفای نقش هدایت تکمیل می‌کند. سطح بازی‌ها تا اینجا و در این دوره خاص آن قدر خوب هست که حتی نقش‌های کوچک و بازی‌های بازیگران بومی نیز به دل می‌نشینند.

حسن پور نشان داده که شناخت خوبی از تاریخ بومی منطقه شمال دارد و مثل ساخته پیشینش، «از یاد رفته» تلاش می‌کند داستان‌هایی را روایت کند که خارج از مرکز (تهران) اتفاق می‌افتد. از این گذشته او اصراری ندارد که برای روایت یک داستان که نمایه‌های بومی آن بسیار زیاد است لزوماً از بازیگران بومی استفاده کند. اتفاقاً او روش سخت‌تر را بر می‌گزیند و تلاش می‌کند تا از ترکیب بازیگران مطرح و شناخته شده کشور با بازیگران بومی و محلی راه سومی را برگزیند و تا اینجا نشان داده که در انجام این مهم حسابی موفق است.

علاوه بر این داستان‌هایی که او انتخاب می‌کند معمولا از آنچنان اوج و فرودهایی برخوردار است که مخاطب ایرانی با آن ارتباط برقرار می‌کند. شکل روایت او هم با طمانینه است و سردستی نیست. همین باعث می‌شود تا مخاطب سختگیر هم به آثار او روی خوش نشان دهد و از همه اینها گذشته غنای تصویری کارهای او انصافاً تحسین‌برانگیز و گاه حتی غبطه برانگیز است. زیرا برخی از تصاویر و نماهایی که او در این اثر به مخاطب ارائه می‌کند هیچ چیز کمتر از یک تابلوی خوش آب و رنگ نقاشی ندارد. همان چیزی که مخاطب امروز خیلی کم آن را در آثار داخلی می‌بیند و توقع دارد آن را بیشتر ببیند. از این نظر حسن پور تابلوی بی‌نظیر و البته دل‌انگیزی برای چشمان مخاطبانش فراهم آورده است که می‌توان آن را با خیال راحت به دیگران پیشنهاد داد تا مخاطب چنین اثر پر نقش و نگاری باشند.

**قاب کوچک (ضمیمه شنبه روزنامه جام جم)**